

شهادت‌شانی

(۲)

بزرگوارم
پدیده

ستایش دانشمندان از شهید ثانی

هر نور و روشنائی را با خورشید مقایسه می‌کنند ولی خورشید را با چه می‌توان قیاس کرد؟

زرفای هر دریا می‌توان دید ولی اقیانوس را عمقی است کسیه رسیدن به آن اگر امکان ناپذیر نباشد، بسیار دشوار خواهد بود. شهید ثانی با آن همه بزرگی و عظمت، و آن همه علم و دانش، آیا می‌توان با چند جمله معرفی کرد؟

آری، فضیلت و مقام ایشان را فقط خدا می‌داند و بس، ولی در هر صورت با ستایش دانشمندان و بزرگان از وی، گرچه به مقام والایش نمی‌توان پی برد ولی تا اندازه‌ای آن ناشناخته، برای دیگران شناخته خواهد شد.

در اینجا نکته‌ای را باید تذکر دهیم: برخی از دوستان، بر ما ایراد می‌گیرند که چرا از علمای قدیم می‌نویسید آبیوگرافی آنان برای ما - که در این زمان زندگی می‌کنیم - چه فایده دارد آخدمت آنها هر چه هم بسیار باشد برای دوران خودشان بوده است (و امروز سخن از آنان گفتن چندان شمره‌ای ندارد)!

جای بسی شگفتی است که بعضی چنین اشکال و ایرادی می‌گیرند در صورتی که امروز ما و فردای ما و همه روزها نیاز به آن بزرگان دارد. در جایی که غربیها - بویژه آمریکائیها - با تاریخی سراسر دروغ، از

گذشته خود آنچنان تجلیل می‌کنند با اینکه کمتر اثری از نیاکان خود دارند، و در جایی که مورخان هر قوم با یاد بزرگانشان تاریخ را می‌نگارند، آیا رواست که ما با داشتن آن همه مفاخر علمی که جهان اسلام و غرب تا قیام قیامت از آثار گرانبهای آنها بهره خواهند برد، نامی از آنان به میان نیاوریم؟ و آیا رواست که ما بزرگان خود را با آن همه خدمت‌های ارزنده‌ای که آثارش در جهان نور می‌افشاند و راه می‌نمایند نشناسیم، و از زندگی آنها نیاوریم که چگونه باید زیست و در دنیا چه باید کرد؟ امام خمینی که می‌فرمایند:

"اگر روحانیون نبودند ما از اسلام اطلاعی نداشتیم"

این روحانیون چه کسانی اند و آیا نباید ما این روحانیون را بشناسیم؟ اگر روحانیون عظیم‌الشان نبودند، نه اثری از اهل بیت رسول الله (ص) در میان بود و نه آن همه روایات و احادیثی که با چه زجرها و زحمتها و شکنجه‌ها در طول تاریخ - بوسیله علمای بزرگ ما - از دستبرد بیگانگان محفوظ ماند و ما بدون تحمل زحمت و رنج چندانی به آنها رسیدیم و از منبع فیض و نور دانش استفاده‌ها کردیم و بهره‌ها بردیم. اگر آن بزرگان نبودند، این همه موشگافی - های علمی و فقهی و گسترش مسائل آن، که تاریخ ما را روشن و منور ساخته است، اثری از آنها نبود. و خلاصه این رشته سردراز دارد،

عمان به که به فرصتی دیگر واگذار کنیم ، و اینک ستایش دانشمندان را در باره شهید ثانی بخوانیم :

محدث بزرگ شیخ حر عاملی (ره) در امل الامل چنین می نویسد : مقام شهید ثانی در دانش و فضیلت و مورد اعتماد بودن و پارسائی و عبادت و کنجگاری در علوم ، آنچنان والا و بالاست ، و عظمت قدر و منزلت او بدان پایه که در وصف نیاید ، و اخلاق و اوصاف نیکویش چندان بسیار که شمارش نشود و آثارش نیز فراوان و درخور ذکر... فقیه بود و محدث و استاد نحو و معلم قرآن و عقیده شناس و فیلسوف و فراگیرنده رشته های گوناگون دانش. وی نخستین دانشمند شیعه است که در حدیث شناسی (درایت حدیث) کتاب نوشت.

ابن العودی تاریخ شناس زمان شهید ثانی و دوست و شاگرد ایشان در باره اش کتابی نوشته است و در آنجا چنین می گوید : یک لحظه از عمر خود را بهدر نمی گذراند مگر اینکه دانشی کسب کند . ساعت های خود را برای استفاده خویش تقسیم بندی کرده بود . روزها را در درس دادن و مطالعه کردن و تالیف نمودن می گذراند ، و اما شب هنگام ، آمادگی کامل برای فراگیری فضیلتها داشت ، تمام توجه او به مولایش بود ، آنقدر به عبادت می پرداخت که پاهایش توان خود را از دست می داد ، در عین حال به زندگی خویش هم میرسید ، نیاز نیازمندان را برآورده می ساخت ، از میهمانان با خوروشی و کرامت طبع استقبال می نمود ...

در ادبیات به بالاترین قلمش رسیده و در لغت قطب آسپایش بود ... در حدیث ید طولائی داشت ، تمام دشواریهایش را آسان و سنگلاخهايش را هموار ساخته ، خود را برای تصحیح و نشر آن در بین مردم آماده ساخت ، و بحدی در این راه کوشا بود که ورد زبان او - بین نماز مغرب و عشا - حدیث و روایت بود ، و این نبود مگر آنکه ایشان اوقات خود را تنظیم ترتیب داده و در هر وقتی ذکر و دعائی می خواند ، و در این وقت (بین مغرب و عشا) بهترین ذکر را ، احادیث معصومین (ع) قرار داده بود . در علوم معقول ابداع و موşkافی داشت و از تمام هنرمندان فراتر رفته بود . اگر لرب به تاریخ می کشود ، چنان جولانی در آن می کرد که ذهنها و عقلمهارا به خود متوجه می ساخت .

در تفسیر و علوم قرآن عزیز آنقدر پیش رفته بود که به حقایق و مجازهای آن دست یافته بود ، و اما قدرت او در علم هیئت و هندسه و حساب کمتر از تبحر در آیات نبود ... این بزرگوار با آن همه شوکت و جلال ، در بالاترین درجه تواضع و فروتنی بود ، هر کس بر او وارد می شد ، بیشترین سعی خود را می کرد که بها و بهترین مطالب را بیاموزد . هنگامی که با دوستان می نشست ، خود را همانند یکی از آنان حساب می کرد و کمترین ریزگی برای خود قائل نبود .

فقیه بزرگ ، شیخ اسدالله کاظمینی در "العقائب" چنین می نویسد : وی برجسته ترین شخصیت علمی در میان متاخرین است

اگر روحانیون نبودند ما

و کاملترین متبحران . ادامه دانشمندان پیشین و نادره دانشمندان بازپسین ، مجتهد عظیمتر... مقتدای شیعیان و چراغ هدایت شریعت ، رادمردی که فرزندان دهر از عهده شرح فضائلش برنمی آیند و فاضلان جهان در شمارش فضائلش در مانند . ابرمردی که در علم و عمل توانا و کوشا بود و نسب و دودمان بزرگ را بارفتار بزرگمردانه و افتخار شهادت یکجا نصیب خویش گردانید ، و تا بود مورد لطف آشکار و نهان الهی بود .

صاحب ریحانه الادب می نویسد : شهید ثانی از مفاخر و بزرگان علمای امامیه و از محققین و متبحرین فقهای شیعه است . شهید ثانی فقیه است و محدث ، رجال دان ، مفسر قرآن ، ادیب ، نحوی ، استاد لغت ، حکیم متکلم ، طبیب و ریاضی . جلالت و علم و فضل و پارسائی و ورع و تقوی و عبادت و تحقیق و تدقیق و جامعیت او در تمام علوم عقلیه و نقلیه و فنون ادبیه ، مسلم و مشهور آفاق است .

نظری بر کتاب "منیة المرید" شهید

این کتاب همانطور که قبلا - نیز گفته شد ، جالب ترین و جامع ترین کتابی است که در آداب و روشهای تعلیم و تعلم و ریزم کارهای امور تربیتی و آموزشی ، نوشته شده است - و مشتمل است بر یک مقدمه و ۴ باب و خاتمه ، در مقدمه آنچه در فضیلت علم آمده است از آیات و روایات و سخنان حکما و عرفا گردآوری شده و دلیل عقلی بر فضیلت علم نیز نگاشته شده است -

باب اول : در آداب معلم و شاگرد است : خلوص نیست ، انگیزه فراگیری علم ، مذمت غرور ، عفت نفس عالم ، آداب درس خواندن ، کوشش در طلب علم ، خضوع در برابر حق ، حضور با طهارت و وضو در مجلس علم ، شرائط معلم ، عمل عالم به علم خویش ، نهی از مخالفت معلم ، درس اخلاق پاهای دانش ، فروتنی استاد ، آداب مجلس علم ، تلاوت قرآن قبل از شروع درس ، انتخاب آسان ترین روشهای تعلیم ، محبت استاد نسبت به شاگردان حسن نیت و پاکی نفس از تمام آلودگیها و پلیدیها ، قطع رابطه با دنیا ، ترک دوستی با کسی که او را از علم باز دارد ، بلندی همت در فراگیری علم ، کیفیت انتخاب استاد ، احترام و تقدیر از استاد سبقت جستن بردیگران در حضور در مجلس علم ، مراعات مسائل اخلاقی ، حفظ قرآن ، تنظیم وقت و شرایط مباحثه و مطالب مفید دیگری که در این باب درج شده است .

باب دوم : در آداب فتوی و استفتا و مفتیان است .

آن از اسلام اطلاعی نداشتیم

امام خمینی

باب سوم : در شرائط مباحثه و آداب آن .

باب چهارم : در روش تالیف و تصنیف و کتابهایی که مفید برای مردم است . در پایان کتاب ، بخشی اختصاصی داده است به تقسیم بندی علوم و فرق گذاشتن بین علوم شرعی و غیر شرعی و بحثی راجع به علم تفسیر و حدیث و فضیلت علم فقه و در نهایت پندهای ارزنده‌ای را به طلاب علوم تقدیم کرده است .

شهادت شهید ثانی

آنانکه در راه خدا لحظهای از بیکار و جهاد باز نمی‌ایستند و همواره در تکاپو برای شناساندن معارف اسلام به مردم می‌باشند ، سرانجام در همین راه مقدس زندگی سراسر افتخار خود را به سر برده و بدلقای خدای بزرگ می‌شایند ، برخی از این بزرگان بقدری مورد لطف و مرحمت حضرت حق - جل شانہ - می‌باشند که نهایت عمرشان شهادت در راه اوست :

” مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَتَلَ نَفْسَهُ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهَا وَوَفَّىٰ بِمَا كَفَرَ وَاللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ “

برخی از مؤمنان ، بزرگمردانی هستند که به پیمانی که با خدا بستند وفا کردند ، پس برخی از آنها ایستادگی کردند (تا در راه خدا به شهادت رسیدند) و برخی به انتظار (شهادت) نشتنند و هیچ پیمان خود را تغییر ندادند . شهید ثانی از مصداق بیان این آیه شریفه است . به راستی که به عهد خود با الله وفادار ماند و سرانجام به شهادت رسید .

از شیخ حسین بن عبدالصمد (پدر شیخ بهائی) نقل میکنند که روزی با شهید ثانی در استانبول از جایی می‌گذشتند . شهید به او گفت : در همین جا کسی کشته خواهد شد که دارای مقامی است . پس از مدتی خود شهید در همان مکان به شهادت رسید . نویسنده ” الدر المنثور ” می‌گوید : این قضیه در منطقه ما و دیگر مناطق نام شهرت دارد و همه از آن پیشگویی شگفت انگیز با خبرند .

شیخ بهائی در یکی از تالیفاتش می‌گوید : پدرم به من اطلاع داد که وی صبح روزی به خانه شهید ثانی رفت و دید شیخ در حال تفکر و اندیشیدن است . پرسید : به چه می‌اندیشی ؟ پاسخ داد : برادر ، گمان می‌کنم من شهید دوم باشم ، زیرا دینم به حساب دیدم سید مرتضی علم الهدی (ره) مجلس میهمانی و ضیافتی تشکیل داده و همه علمای شیعه را در خانقاهی گردآوری نمودهاست و منی من وارد شدم ، سید مرتضی برخاست و به من خوشامدگفت و

افزود : فلانی ، نزد شیخ شهید (شهید اول) بنشین . من بهلوی شهید نشستم . پس از برقراری مجلس از خواب بیدار شدم . این خواب دلیل روشنی است براینکه من به لحاظ شهادت پس از وی خواهم بود .

در کتاب ” امل الآمل ” شیخ حر عاملی (ره) در باره چگونگی

شهادت شهید ثانی چنین می‌نویسد : چنانکه از بعضی بزرگان شنیده‌ام و به خط آنان دیده‌ام که دو نفر باهم اختلاف کرده نزد شهید آمدند ، شهید به نفع یکی از آنها حکم را صادر کرد . آن که محکوم شده بود خشمگین شده نزد قاضی صیدا - که نامش ” معروف ” بود - رفت . شیخ شهید در آن ایام مشغول نوشتن شرح لعه بود . قاضی صیدا نماینده‌ای را به جباغ برای احضار شیخ میفرستد

اهالی جباغ به فرستاده قاضی می‌گویند : شیخ مدتی است از میان ما رفته است . شیخ بر اثر آن ، تصمیم به رفتن حج ، بقصد پنهان شدن می‌گیرد و به همین منظور مسافرت خود را آغاز می‌کند . قاضی صیدا به شاه عثمانی گزارشی بر از حقد و فتنه و دروغ در باره شیخ میدهد و شیخ را به عنوان یک نفر بدعتگذار در دین معرفی می‌کند . شاه یکی را مامور دستگیری شیخ کرده به او سفارش می‌کند که حتماً شیخ را زنده بیاورد تا اینکه در یک مجلس گفتگو و بحث با علمای مسلمین ماهیت شیخ بر همه آشکار شود . آن مامور به جباغ می‌آید ، مردم به او می‌گویند که شیخ به مکه رفته است ، از بی او به مکه رفته و در راه با شیخ برخورد می‌کند . شیخ از او می‌خواهد که با او باشد تا اینکه حج را تمام کرده ، با او نزد شاه بروند . مامور خواهش شیخ را می‌پذیرد . پس از تمام شدن حج ، در راه برگشت به سوی کشور عثمانی ، مردی از آن مامور درباره شیخ سئوالهایی کرده و پس از اینکه مطلع می‌شود که شیخ از علمای امامیه است ، به آن مامور می‌گوید : این شیخ در دستگاه شاه دوستان زیادی دارد و ممکن است دست به هم داده تو را به بهانه کوتاهی در انجام وظیفه بکنند !

لذا بهتر است که خود ، شیخ را بکشی و سرش را نزد شاه بسری مامور ، شیخ را به محلی در ساحل دریا برد و آن بزرگوار را به شهادت رساند . جماعتی از ترکمن در آنجا ساکن بودند ، آن شب دیدند ستونهای از نور ، از آسمان فرو می‌آید و آن منطقه را روشن می‌کند . مامور ، سر شیخ را در نزد شاه برده و شاه که از کار او سخت متعجب شده بود که چرا شیخ را زنده نیاورده ، او را اعدام می‌کند .

برخی از مورخین نوشته‌اند که آن مامور پلید ، شیخ را پس از کشتن به کنار ساحل انداخت و پس از سه روز آن جسد پاک را به دریا افکندند . از برخی مرثیه‌ها که در شهادتش سروده‌اند نیز چنین بر می‌آید که او را قبری ظاهر نیست .

شهادت شیخ بزرگوار ، شهید ثانی (ره) در سال ۹۶۶ هجری قمری و ولادتش در سال ۹۱۱ بوده است ، از این رو عمر پربرکت این بزرگمرد عالم انسانیت پنجاه و پنج سال می‌باشد خدا پیش رحمت کند و درجات عالیه‌اش را عالی تر گرداند .

پس از آنکه شیخ بزرگوار ، شهید ثانی (ره) در سال ۹۶۶ هجری قمری و ولادتش در سال ۹۱۱ بوده است ، از این رو عمر پربرکت این بزرگمرد عالم انسانیت پنجاه و پنج سال می‌باشد خدا پیش رحمت کند و درجات عالیه‌اش را عالی تر گرداند .